

سروصدای رفراندم

امیرفیض- حقوقدان

شیخ حسن روحانی گهگاه مانوری میدهد که طرفدارانش خیال کنند او کسی است وزنده است، از جمله درخواست رفراندم به استناد اصل ۵۹ باصطلاح قانون اساسی جمهوری اسلامی است.

← ارجاع موضوعات به همه پرسى بموجب همان اصل ۵۹ در صلاحیت مجلس است نه رئیس جمهوری.

← پیشنهاد همه پرسى باید از سوی دوسوم نمایندگان مجلس تصویب وبه ولایت فقیه ارجاع گردد.

← بنا برصلاحیه اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی، موافقت با درخواست رفراندم مجلس از حقوق ولی فقیه است.

← بنابر اصل ۵۹ مسائل مهمی که مجلس نتواند تصمیم گیری کند اعمال آنها بوسیله همه پرسى صورت خواهد گرفت.

بنا براین اولاد دولت روحانی درمسئله همه پرسى فاقد صلاحیت وهیچکاره است تنها بعدازطی جریانات خاص خودش وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ممکن است ماموریت اجرای همه پرسى را داشته باشد.

← ازآنجا که مصوبات مجلس اسلامی بدون ملاحظه وتائید شورای نگهبان جمهوری اسلامی نافذ نیست تصمیم مجلس نسبت به موردی که به همه پرسى ارجاع خواهد شد باید به تصویب شورای نگهبان هم برسد، بنابراین برای قابل اجرا شدن اصل ۵۹ باید از هفت خوان رستم بگذرد ودراین مراحل سخت دولت روحانی کوچکترین اراده وقدرتی ندارد.

← دولت روحانی با مشکلاتی ازقبیل بیکاری، قاچاق، فقر، اعتیاد، بی پولی، مراکز متعدد قدرت و مافیای قدرت مواجه است که هیچکدام ازاین مشکلات، مشکلاتی نیست که اختلافی درحل و فصل آن وجود داشته باشد ویا مجلس قادربه حل وفصل آن نباشد و ماهیتا مواردی نیستند که نیازه همه پرسى داشته باشد.

← بنظرمیرسد موضوع اجباری بودن ویا نبودن حجاب از مسائلی است که ظرفیت همه پرسى از مردم را دارد و آنها به ملاحظه قدرت شورای نگهبان برمسائل مذهبی. اسلامی بودن حجاب قابل ارجاع به همه پرسى بنظر نمیرسد.

← موضوع دیگر تجدید نظر در روابط سیاسی با آمریکا ودرنهایت سبک شدن تحریم هاست که اتخاذ چنین سیاستی از حقوق ولی فقیه است نه همه پرسى ومجلس ویا دولت.

← ظاهرا تنها موردی که آزردهگی ظاهری خاطر شیخ حسن را مشغول ساخته مسئله ولایت فقیه واختیارات نامحدود اوست که باید گفت اگرکسی فکرمیکند که با اجرای اصل ۵۹ میتوان ظلمت ولایت فقیه را پاک کرد به سادگی خودش اعتراف کرده است.

← کسانی که برای ایجاد مشروعیت طومار همه پرسى امضا میکنند؛ خودشان حداقل میدانند که عملشان چقدر پوچ است ولی موقعیتی است برای مطرح شدن؛ پروبال دادن به خواست آمریکا

ولایت فقیه را نمیشود از طریق قانون اساسی جمهوری اسلامی برچید راهی که مسلمانان زمان عثمان برای برچیدن بساط عثمان بکار بستند، شاید سنت اسلامی باشد برای گذر از حکومت‌های اسلامی.



نیمه اول خلافت عثمان به خوبی پیش رفت. در این مدت دولت نیز پایدار بود، ولی با شروع سال ۳۱ هـ آشوب‌ها و تحریکات گروه‌های مخالف به دلیل این که عثمان برخی از نزدیکان و فامیلش را با بخشش منصب و شغل فرماندار و رییس قشون کرده بود شروع به نمایان شدن و شدت گرفتن کرد که تا پایان دوره‌اش و دوره خلفای راشدین ادامه یافت. این کار مشابه کاری که سید علی میکند ستم دیدگان زیادی پیدا کرد و ستم‌دیدگان خواستار برکناری آن‌ها شدند. برخی دیگر هم از اشرافی‌گری که در مدینه رایج شده بود شکایت داشتند درست شبیه زندگانی سید علی. به نوشته ویلفرد مادلونگ، عثمان به بنی‌امیه که قوم و خویشش بودند بیش از حد امتیاز می‌داد، به طوری که نفوذ آنان روی وی سبب شد که با صحابه محمد مانند ابوذر غفاری، عبدالله بن مسعود و عمار یاسر بدرفتاری کند. این موضوع و مسائل دیگر خشم مردم در مناطق مختلف حکومت اسلامی را در سال‌های ۶۵۰ و ۶۵۱ میلادی برانگیخت. بعد از اینکه مروان بن حکم، عموزاده عثمان، به عنوان مشاور وی انتخاب شد، بر وی تسلط یافت. این امر باعث اعتراض بسیاری از صحابه محمد بویژه اعضای شورای انتخاب عثمان گردید. بسیاری از آنان به عثمان اعتراض نموده و حمایت خود را از وی قطع کردند.

این روش حکومت مخالفت‌های زیادی را برانگیخت. مخالفان او، عثمان را به خویشاوندسالاری و فساد متهم می‌کردند. به نوشته جان بوکر، سر دسته مخالفان او عایشه، همسر پیامبر و دختر ابوبکر، و علی داماد محمد بودند. بنا بر نظر سید حسین نصر در دانشنامه بریتانیکا، علی عثمان را به عنوان خلیفه به رسمیت می‌شناخت. اما موضع بی‌طرفی را بین هواداران و مخالفان وی اتخاذ کرده بود. به نوشته رابرت گلیو، علی حداقل به لحاظ معنوی سردسته مخالفان عثمان بود. در دوران خلافت عثمان، علی به همراه صحابه دیگری از محمد از جمله طلحه و زبیر از منتقدان عثمان بودند.

شورشیان منزل عثمان را محاصره کردند، علی با اصرار بر اینکه عثمان نباید از آب منع شود، تلاش کرد تا از شدت حصر بکاهد.

بر طبق روایت محمود بن لبید بن عقبه اوسی، تاریخ‌نگار معاصر، اعضای این گروه از مهاجرین (بجز علی) شامل سعید بن زید، ابوجهم عدوی، جبیر بن مطعم و حکیم بن حزام و از بنی‌امیه شامل مروان بن حکم، سعید بن عاص و عبدالرحمن بن عتاب بن اسید، از انصار به سرکردگی محمد بن مسلمه و دیگران که در کل نزدیک به ۳۰ تن بودند.

این گونه گذشت تا روزی که، عثمان برای سخنرانی به بالای منبر رفت و در مورد شورشیان صحبت کرد؛ یکی از صحابه حرف وی را تأیید کرد و دیگران به حرفش اعتراض کردند که باعث نبرد در مسجد شد، عثمان در این بین زخمی شد و به خانه‌اش برده شد. عثمان چند روز در خانه‌اش محاصره بود، انقلاب گران به خانه او حمله کردند و در خانه را آتش زدند، یکی از آن‌ها با غلاف شمشیر به سر عثمان ضربه زد، سپس با شمشیر عثمان را در تاریخ ۱۸ ذی‌الحجه سال ۳۵ هـ (۲۰ ژوئن سال ۶۵۶م) در حالی که ۸۲ سال داشت و از خلافتش ۱۲ سال می‌گذشت کشت.